

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۳

صص ۸۲-۶۰

بررسی چالش‌های قدرت ملی در ایران با تأکید بر بحران هویت ملی

دکتر غلامحسین حیدری* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
زهره حیدری‌بنی - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۶

چکیده

مهم‌ترین تلاش رهبران سیاسی در همه کشورها ارتقاء اقتدار ملی است. این در حالی است که به نظر می‌رسد جامعه ایرانی امروزه با چالش‌هایی در زمینه تأمین حداکثر قدرت ملی روبروست. یکی از مؤلفه‌هایی که در شرایط کنونی موجب گردیده تا قدرت ملی با چالش مواجه گردد، بحران هویت ملی است. هویت ملی به معنای وحدت و همبستگی میان اجزای تشکیل‌دهنده یک نظام سیاسی و اجتماعی، یکی از مؤلفه‌های اصلی اقتدار ملی محسوب می‌شود. این در شرایطی است که با افزایش ضریب وحدت و همبستگی ملی از میزان تهدیدات داخلی و خارجی کاسته شده و زمینه مناسبی برای توسعه و پیشرفت کشور فراهم می‌گردد.

مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در پی بازشناسی رابطه میان متغیر هویت ملی به مثابه متغیر وابسته، با قدرت ملی به عنوان متغیر مستقل می‌باشد. همچنین تلاش می‌گردد تا با اشاره به برخی نمادهای بحران هویت ملی در ایران، عوامل و عناصر مؤثر در بروز آنها نیز معرفی گردند. رویکرد غالب در اینجا تحلیل کارکردی و شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر روش اسنادی و کتابخانه‌ای است. نتایج نشان می‌دهد که هم‌اکنون هویت ملی به عنوان زیرساخت منافع ملی در کشور از درون با برخی چالش‌ها مواجه است که در صورت عدم توجه کافی به آنها از استعداد زیادی برای تبدیل شدن به بحران برخوردارند، که آن نیز به نوبه خود موجب کاهش ضریب قدرت ملی و آسیب‌پذیری کشور در مقابل تهدیدات خارجی می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: چالش، قدرت ملی، بحران، هویت ملی، ایران.

* E-mail: heidari@mahsabz.com

۱- مقدمه

ثبات و امنیت هر کشوری تابعی از قدرت ملی آن است. با نیم‌نگاهی به دویست و اندی از کشورهای جهان آنهایی که از قدرت ملی و وزن ژئوپلیتیکی کمتری برخوردارند، به‌طور حتم جامعه‌ای ناامن و بی‌ثبات را در خود پرورش داده‌اند. همچنین کاهش و ضعف قدرت ملی یک کشور، منافع ملی آن دولت را چه در داخل و چه در خارج از مرزهای سیاسی آن کشور به مخاطره می‌اندازد. این در حالی است که قدرت ملی تنها از طریق ایجاد و تقویت ارتشی قوی و تجهیز آن به سلاح‌های نظامی پیشرفته به‌دست نمی‌آید، بلکه توسعه همه‌جانبه و متوازن در تمامی زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را طلب می‌کند. به‌عبارت دیگر قدرت تنها یک عنصر سیاسی نیست، بلکه محصول بسیج تمامی منابع مادی و معنوی کشورهاست. قدرت با زور مترادف نیست و توانایی اعمال آن صرفاً به شرایط قهرآمیز محدود نمی‌شود و دولت‌ها با توجه به حجم مراودات خود به‌ندرت به زور متوسل می‌شوند (Jones, 1994: 3).

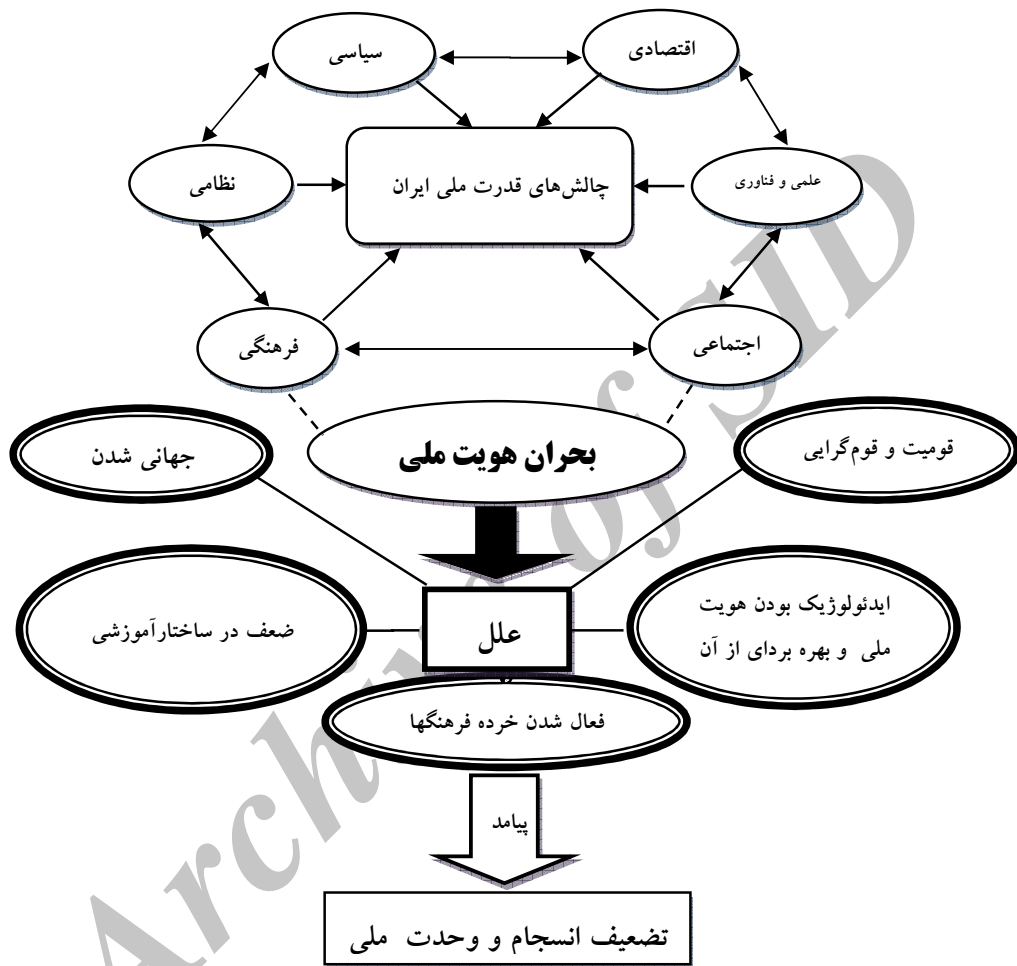
بررسی تحولات جوامع گویای چالش‌های گوناگون تهدیدکننده قدرت ملی است. چنین عواملی که در گذار تاریخی دستخوش تغییرات دائم بوده‌اند را می‌توان به طیفی از عناصر و عوامل سخت و نرم در خصوص قدرت ملی تقسیم کرد. از جمله این موارد می‌توان به تاسیسات زیربنایی و تجهیزات نظامی و لشگری، امکانات و منابع اقتصادی، گستره و قلمرو جغرافیایی و منابع معدنی و کانی و همچنین ساختار اجتماعی پویا و انعطاف‌پذیر و منابع انسانی کیفی، همبستگی و انسجام اجتماعی و سیاسی و همگرایی‌های مذهبی اشاره کرد. در خصوص ایران نیز مطالعات تاریخی مؤید نقش تعیین‌کننده چنین عواملی در استحکام و تداوم یا بحران و زوال قدرت ملی بوده است. در فضای پر تنش کنونی جهان نیز عوامل مختلفی این استحکام را به چالش کشیده‌اند. بحران در روابط خارجی، تنوع اجتماعی در یک سرزمین گسترده و سرشار از پراکندگی‌های اقلیمی، بحران‌های مدیریتی، بحران‌های ناشی از اقتصاد (وابسته به مواد خام) و غیره از آن جمله‌اند. در این میان بحران‌های اجتماعی که در اشکال مختلف چالش‌های فرهنگی و فکری میان عناصر اجتماعی و گروه‌های متنوع قومی،

جهانی شدن، شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی که معمولاً میان ساخت فرهنگ مسلط و در حال توسعه از یکسو با ساخت فرهنگ و ایدئولوژیهای رسمی از سوی دیگر به ظهور می‌رسند، به‌صورت بزرگترین کانون‌های بحران هویت ملی در ایران کنونی رخ نموده‌اند.

از این‌رو لزوم حفظ و تقویت هویت ملی ایرانی از جمله مسائل مهم کشور در شرایط حساس کنونی محسوب می‌شود. بدون تردید تبیین تحولات تاریخی ایران و بویژه درک رابطه میان هویت ملی و قدرت ملی در درازای تاریخی این مرز و بوم در کنار بهره‌گیری از چهارچوب‌های متداول نظری می‌تواند دست‌مایه فکری مناسبی برای حل مشکلات کنونی فراهم سازد. چرا که سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مناسب معطوف به هویت ملی می‌تواند نقش ارزنده‌ای در تحکیم وحدت و همبستگی ملی در ایران داشته باشد.

۲- روش تحقیق

رویکرد اصلی این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است و شیوه گردآوری منابع مبتنی بر جمع‌آوری داده‌ها بر اساس منابع اسنادی- کتابخانه‌ای می‌باشد. تحقیق توصیفی شامل روشهایی است که هدف آن بیان ساده ویژگی‌ها و خصیصه‌های ظاهری پدیده‌های مورد بررسی است. تحقیق توصیفی می‌تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری دادن به فرایند تصمیم‌گیری باشد (Sarmad et al, 2002: 81). بدین ترتیب شکل شماره ۱ مدل کلی پیشنهادی این پژوهش و رابطه علت و معلولی متغیرهای ثابت و مستقل را برای ارزیابی چالش قدرت ملی در ایران و علل و چگونگی تأثیرگذاری بحران هویت ملی را بر آن نشان می‌دهد.



شکل شماره ۱: مدل تحقیق

پرسش اصلی این مقاله عبارت از این است که، چه رابطه و نسبتی بین قدرت ملی از یکسو و هویت ملی از سوی دیگر در ایران وجود دارد؟
 با توجه به پرسش فوق در اینجا به بررسی و مطالعه علل بروز بحران هویت ملی در راستای آزمون فرضیه زیر می‌باشیم:

«اساساً رابطه‌ای معنادار، همسو، و متناسب میان متغیر هویت ملی و قدرت ملی در ایران وجود دارد، به‌گونه‌ای که با بروز بحران هویت ملی، قدرت ملی نیز کاهش یافته و در مقابل با رو به کاستی گذاردن بحران هویت، قدرت ملی افزایش می‌یابد».

۳- مبانی نظری

۳-۱- رویکرد نظری تحقیق: نظریه ریچارد هارتشورن

امروزه عرصه جهانی به‌شدت تحت تأثیر عوامل فرهنگی و هویتی قرار دارد. از این رو تبادلات و مناسبات هویت ملی و همچنین کوشش برای نگرهانی از آن از جایگاه ویژه‌ای در سطح مباحث تئوریک و نظریه‌پردازی برخوردار است. با این وجود نقش علل ایجاد کننده بحران و تقویت قدرت ملی و هویت ملی و به‌طور کلی فرهنگ در عرصه روابط داخلی سیاسی و اجتماعی را می‌توان در آثار کسانی چون ریچارد هارتشورن جغرافیدان سیاسی آمریکایی پیرو مکتب کارکردگرایی دانست. ریچارد هارتشورن در سال ۱۹۵۰ به طرح نظریه معروف نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز در بقای موجودیت‌های سیاسی پرداخت، به عقیده وی نیروهای مرکزگریز نیروهایی هستند که کار دولت را برای یکپارچه‌سازی کشور و ایجاد وحدت ملی در قلمرو یک مجموعه منسجم و هماهنگ با مشکل مواجه می‌سازند، اختلافات فرهنگی و سیاسی و بحرانهای هویتی یا اقتصادی میان گروه‌های سرزمینی و یا وجود برخی موانع جغرافیایی بر سر راه تماس میان مناطق مختلف یک کشور همگی می‌توانند در حکم نیروهای مرکزگریز عمل کنند، اگر نیروهای مرکزگریز را بدون نظارت هرگونه سیستم متعادل کننده‌ای به حال خود واگذاریم، موجب فروپاشی کشور می‌شوند. این فرایندهای سیاسی ارتباط مستقیم با مکان و فضای جغرافیایی دارند زیرا علت وجود کشورها را مرتبط با عوامل مادی گسترده سرزمین و شکل هندسی یک کشور می‌دانند، در مقابل نیروهای مرکزگرا فرایندهایی سیاسی هستند که به وحدت و انسجام حکومت کمک می‌کند و اجزای کشور را به هم نزدیک می‌سازند. هارتشورن مجموعه عوامل مرکزگرا را تحت عنوان علت وجودی، هویت ملی و اندیشه سیاسی خلاصه کرد (Heidari, 2011).

۲-۳- ملت، قدرت ملی، اهداف استراتژیک ملی

مجموعه کسانی که درون یک نظم سیاسی متشکل سرزمینی والاتر از قوم و قبیله زندگی می‌کنند و دارای یک هویت و فرهنگ مشترک و به‌ویژه برخوردار از یک آرمان مشترک سیاسی باشند، را یک ملت می‌نامند. بر این اساس ویژگی اصلی ملت نه تنها وحدت فرهنگی یا زبانی و قومی، بلکه وحدت در درون یک نظام سیاسی جغرافیایی مشخص است.

ملتها نه پدیده‌ای طبیعی‌اند و نه موجودیتی جاودانی، بلکه تشکیلاتی هستند که مردم آن را به‌وجود آورده و اگر بخواهند می‌توانند آن را بر هم بزنند. ولی در حال حاضر «ملت» هنوز مهمترین نوع تشکیلات سیاسی است و ساختارهای بین‌المللی هنوز نتوانسته‌اند جایگزین مناسبی برای آن باشند. هر ملتی ممکن است هدف‌های استراتژیک متعددی داشته باشد. پاره‌ای از پژوهشگران بر این باورند که کلیه هدف‌های استراتژیک یک ملت را می‌توان در هدفی واحد خلاصه کرد و آن تحصیل قدرت ملی است (Wayman & Goretz, 1983: 497-515).

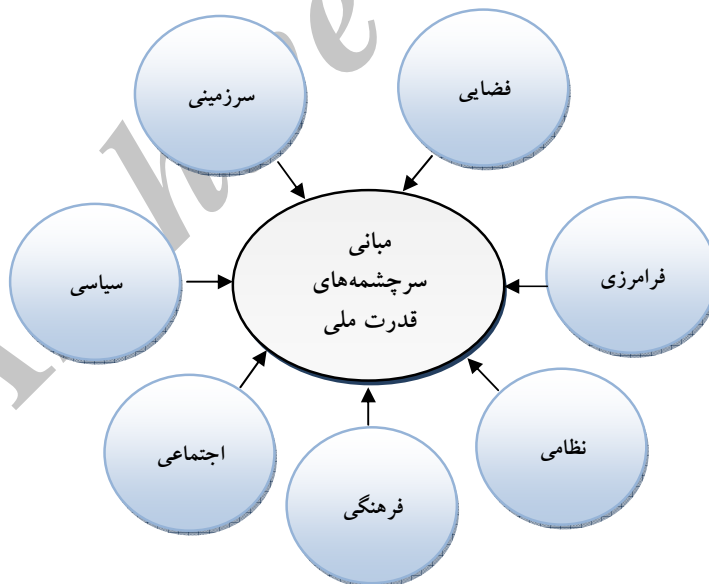
بدون شک قدرت، مهمترین هدفی است که ملتها به‌دنبال آند، ولی این تنها هدف استراتژیک آنها نمی‌باشد. هدف‌های استراتژیک ملی را می‌توان به چهار دسته اصلی تقسیم کرد که عبارتند از: قدرت، ثروت، صلح و امنیت، و ترقی و بسط فرهنگی. البته ممکن است وصول به یکی از این هدف‌ها پیش نیاز دیگری باشد. بدین معنی که ثروت، ایجاد قدرت می‌کند، قدرت صلح و امنیت را بوجود می‌آورد و امنیت و آرامش، میراث فرهنگی را حفظ نموده و آن را وسعت می‌بخشد. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که قدرت هر ملتی جزئی از قدرت عمومی نظام بین‌المللی است. بنابراین اندازه قدرت ملت در مقایسه با قدرت سایر ملتها تعیین می‌گردد (Barnett & Duvall, 2004).

قدرت ملی استعداد و توانایی نفوذ و تأثیرگذاری در رفتار دیگران برای دستیابی به اهداف استراتژیک ملی است. قدرت ملی را همچنین توانایی ملتی تعریف می‌کنند که توسط آن می‌تواند ملت دیگری را وادار به پذیرش و انجام خواسته‌های خود گرداند. با این وجود در عمل این تعریف قدرت که توانایی ملتی در باز داشتن ملت دیگر از اقداماتی که به‌نظر ملت

اولی نامطلوب می‌آید نیز مشاهده شده است. قدرت قابلیت تأثیر نفوذ در دیگران بوده به نحوی که موافق مقاصد صاحب آن قابلیت باشد. نکته مهم چند وجهی بودن قدرت ملی است. ابزارهای قدرت ملی مانند ثروت، منابع انسانی و طبیعی و اسلحه ممکن است قدرتی به وجود آورند به شرط اینکه در رفتار دیگران اثر گذارند. هر ابزاری تا هنگامی که تأثیرگذار نباشد، ارزش ندارد (Khayambashi et al, 2004: 3).

۳-۳- عناصر، سرچشمه‌ها و کارکردهای قدرت ملی

کارشناسان روابط بین‌الملل و جغرافیای سیاسی دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص عوامل تولیدکننده قدرت ملی ارائه کرده‌اند. متسکیو همبستگی ملی را عامل تولیدکننده قدرت ملی می‌داند. کوهن به نقش ده عامل اشاره کرده است. مورگنتا هشت مؤلفه را در تولید قدرت ملی مؤثر می‌داند. در رویکردی کل‌نگر عوامل تولیدکننده قدرت ملی به شرح شکل شماره ۲ هستند:



شکل شماره ۲: مبانی و سرچشمه‌های قدرت ملی

بر همین اساس قدرت ملی کارکردها و کاربردهای مختلفی دارد که با مراجعه به تعاریف ارائه شده می‌توان مهم‌ترین قابلیت‌های کارکردی قدرت ملی از دیدگاه صاحب‌نظران را به شرح زیر عنوان کرد: اساساً ملت‌ها خواست‌ها، آرمان‌ها و منافع متعددی دارند که برآورده شدن آنها تابعی از سطح و چگونگی قدرت ملی به‌ویژه در مقایسه با سایر کشورهاست. چنانچه اگر کشوری از قدرت ملی بالایی برخوردار باشد می‌تواند خواسته‌های خود را بدون مانع تأمین کند (Zarghani, 2009: 110-111).

۴-۳- عوامل ایجادکننده چالش قدرت ملی

شاخصها و مظاهر ایجادکننده چالش برای قدرت ملی در سطح جامعه در ابعاد زیر از شش بخش چالش اقتصادی، سیاسی، نظامی، علمی و فناوری، فرهنگی و اجتماعی تشکیل می‌شود. هر یک از بخشها نیز به‌صورت سیستمی بخشهای دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای نمونه چالش سیاسی بر مسائل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی تأثیر می‌گذارد و چالش اقتصادی با مسائل نظامی به‌طور کامل در ارتباط است و بر قدرت سیاسی تأثیر خواهد داشت. چالش سیاسی نیز از مسائل فرهنگی و اجتماعی نظیر بحران هویت ملی تأثیر پذیرفته و بر سطح امنیت کشور و میزان اتحاد و انسجام ملی و توانایی تشکیل اتحادیه‌های قدرتمند، و میزان استفاده از نیروی نظامی اثرگذار است.

۵-۳- هویت ملی، ابعاد، مؤلفه‌ها و کارکردهای آن

منظور از هویت ملی وجود احساسی اجتماعی سیاسی است. یک اجتماع سیاسی به‌نوبه خود حداقل به‌وجود برخی نهادهای مشترک و مجموعه واحدهایی از حقوق و وظایف برای اجتماع اشاره می‌کند. اجتماع سیاسی همچنین به یک فضای اجتماعی قطعی، یک سرزمین برخوردار از مرزهای شناخته شده اشاره می‌کند که اعضاء بدان وسیله خود را تعریف کرده و به آن احساس تعلق خاطر دارند (Smith, 1991). به‌طور اعم و اخص هویت ملی دارای سه کارکرد مختلف است: ۱- انسجام و همبستگی ملی؛ ۲- ایجاد آگاهی ملی و جهت‌دهی به زندگی اجتماعی؛

۳- تعیین سازو کارهای فرهنگ سیاسی.

هویت ملی دارای شاخص‌های متعدد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، و سیاسی است. در واقع این شاخص‌ها ابعاد پیوندی هویت ملی به‌شمار می‌روند که موجب شکل‌گیری و پایداری مشترکات یک ملت می‌شود. جدول زیر شاخص‌ها و مؤلفه‌های هویت ملی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: شاخص‌ها و مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی

شاخصها	مؤلفه‌ها
اجتماعی	اعتقاد جامعه ملی - ایرانی و تمایل به زندگی ضرورت وجود جامعه ملی - ایرانی احساس عضویت در جامعه ملی - ایرانی تمایل به عضویت در جامعه ملی - ایرانی احساس تعلق به جامعه ملی - ایرانی تعهد به حفظ جامعه ملی - ایرانی پذیرش دیگران به‌عنوان هموطن نگرش نسبت به دیگران متعلق به ملت باورهایی در باب ریشه‌های اجتماعی ملی اعتقاد راجع به سرنوشت و آینده جامعه ملی نگرش نسبت به مبانی همبستگی و همکاری اجتماعی اعتقاد به ضرورت به وحدت و همبستگی سیاسی و اجتماعی کل جامعه سیاسی ایران جایگاه و نقش خود در ساختار سیاسی
تاریخی	تعریف و تعیین دوره تاریخی ملت ایران احساس تعلق به دوره‌های تاریخی احساس افتخار نسبت به تعلق و سابقه تاریخی
جغرافیایی	تصور محدوده جغرافیایی ملت ایران نگرش مثبت نسبت به آب و خاک نگرش نسبت به سرزمین ایران در کره زمین نگرش نسبت به مناسب بودن سرزمین برای زندگی و سعادت مرجع دانستن زندگی در کشور خود نسبت به زندگی در کشورهای دیگر دلبستگی و تعلق به سرزمین ایران آمادگی برای دفاع از آب و خاک در زمان خطر و تعرض به آن علاقه مندی به یکپارچگی سرزمین در آینده احساس آرامش و آسایش در صورت زندگی در این سرزمین.
فرهنگی	ارزش‌گذاری و قضاوت نسبت به میراث گذشته اعتقاد نسبت به حفظ و تقویت میراث فرهنگی اعتقاد ارزش‌گذاری نسبت به زبان فارسی تربیت و نام‌گذاری فرزند ارزش‌گذاری نسبت به فرهنگ قومی، ملی، دینی و جهانی ارتباط میان فرهنگ ایرانی و فرهنگ دینی

سیاسی	<p>ارزش‌گذاری به ساختارهای سیاسی گذشته اعتقاد به ضرورت استقرار یک نظام سیاسی واحد بر کل جامعه ایران علاقه قلبی به یک سیستم سیاسی دارای ارزش‌های همه‌پسند در کشور دفاع از یکپارچگی و همبستگی سیاسی نوع ایدئولوژی سیاسی مناسب برای نظام سیاسی مطلوب نوع ساختار قدرت مناسب برای کشور منبع قدرت نظام سیاسی جایگاه و نقش خود (شهروند) در نظام سیاسی نگاه و نگرش نسبت به جایگاه و نقش حکام در جامعه نگرش نسبت به حکام گذشته در نظام‌های سیاسی گذشته جایگاه کشور در نظام سیاسی بین‌المللی دفاع از تصمیم‌گیری‌های سیستم سیاسی کشور حمایت از سیاست‌های کلان کشور.</p>
-------	--

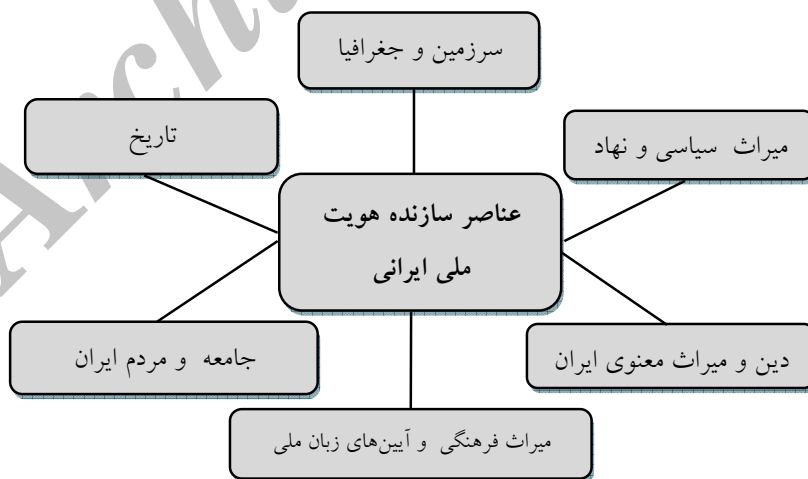
Source:(www.nationalidentity.com)

۶-۳- بحران هویت ملی و عوامل سازنده آن

هرگاه عناصر بنیادین نظام ارزشی سست شده و یکپارچگی خود را از دست بدهند، هویت فرد یا گروه در معرض عدم تعادل یا بحران قرار می‌گیرد (Lucion pye, 1996). گاهی یک ملت یا بخشی از آن بر اثر وجود برخی تعارضات درونی - اجتماعی که در ساختار اجتماعی آن ملت به وجود می‌آید ممکن است به بحران هویت دچار شوند. یک بحران اجتماعی (نظیر بحران هویت ملی) زمانی حادث می‌شود که اختلالاتی در جامعه پدید آید که تعادل عمومی، عملکرد بهنجار و معمول حیات اجتماعی را به مخاطره افکند (Tajhik, 2002: 28). عوامل ایجاد کننده بحران هویت ملی متعددند و هر یک از آنها سهم متفاوتی در ایجاد بحران به عهده دارند. برخی به‌طور سطحی و مقطعی و برخی در تقابل با یکدیگر قرار دارند. مهمترین بحرانهایی که می‌توان در بین این عناصر مشاهده کرد عبارتند از: تقابل میان ملیت و قومیت، تقابل میان فرهنگ رسمی و خرده فرهنگ‌ها (که نشان از اغتشاش و سردرگمی هویتی دارد)، تقابل میان اسلامیت و ایرانیت، تقابل میان جهانی شدن و هویت ملی و عدم توجه به مقوله هویت ملی در کتابهای آموزشی مدارس، این تقابلهای در ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی وجود دارد و عامل ایجاد کننده بحران می‌باشند و روشن است که این عوامل انسجام اجتماعی کشور را تضعیف می‌کند.

۴- یافته‌های تحقیق

بدون غفلت از نقش تاریخ مشروطه به‌عنوان یک نقطه عطف تاریخی در حیات ملت ایران باید گفت آنچه که ما از آن به‌عنوان هویت ملی ایرانی یاد می‌کنیم قرن‌ها پیش از روی کار آمدن دولت‌های ملی در اروپا و برپایی نخستین و بزرگترین امپراطوری جهان به‌دست هخامنشیان ایجاد شده است و در فراخنای تاریخ ایران زمین از ابتدا تاکنون و در راه پویایی هر چه بیشتر خود با هویت‌ها و فرهنگ‌های دیگر نظیر اسلام و غرب درهم آمیخته و توانسته ضمن کسب مؤلفه‌های مثبت آنها، پایداری و پویایی خویش را تحت عنوان ایرانیت حفظ کند و تداوم بخشد. هویت ملی ایرانی آکنده از حوادث و رویدادهایی است که نشان از تلاش مردمی دارد که برای ماندن آن به مبارزه پرداخته‌اند. ایرانیان در طول تاریخ حیات خود به‌دلیل موقعیت خاص جغرافیایی که آنان را در میان اقوام و ملیت‌های گوناگون قرار داده در یک داد و ستد دائم فرهنگی با دیگران به سر می‌برده‌اند، همین امر سبب شده تا فرهنگ ایرانی همواره آمیزه‌ای از فرهنگ‌های مختلف بشری باشد (Eslami nodoushan, 1994: 223). مهم‌ترین عناصر سازنده هویت ملی ایران را می‌توان بر حسب تداوم و اهمیت به شرح شکل شماره ۳ معرفی کرد:



شکل شماره ۳: عناصر هویت ملی ایرانی

اینک در شرایط کنونی جامعه، عناصر مختلفی در آسب رساندن به هویت ملی و تشکیل بحران هویت در کشور مؤثر بوده‌اند. این لایه‌های مختلف، در جامعه کنونی با فرهنگ نخبگان و توده مردم به صورت احساسات ملی ارتباط پیدا کرده و رفته رفته تعارض میان وفاداری‌های قومی و تعهدات ملی را تشدید کرده، مشکلاتی را برای وحدت و یکپارچگی ملی به وجود آورده است. در نتیجه عوامل فوق گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی از هم دور شده و باعث بیگانگی اقشار مختلف اجتماع در داخل کشور گردیده است. هویت ملی ایرانی به عنوان یک مفهوم شناور همچنان با چالش‌های کوچک و بزرگ دیگری روبرو بوده و خواهد بود. به‌ویژه در دوران کنونی که دگرگونی‌های درونی شتاب بیشتری به خود گرفته و اهمیت بیشتری یافته است. جوامعی نظیر جامعه ما که کشورهای جهان سوم یا توسعه‌نیافته و یا به تعبیر دیگر کشورهای در حال توسعه نامیده می‌شوند هم‌اکنون در جریان یک گذار تاریخی به سر می‌برند تا به تدریج واقعیت روشنی را برای خود ترسیم نمایند و حالت تثبیت شده‌ای را به لحاظ اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برگزینند، تا از این طریق جامعه به یک ثبات و استحکام مشخص دست یافته و تعریف مشخص از خود ارائه نماید. نه اینکه اسیر روزمرگی گردیده و در ابهام و نوسان به سر برد. توضیحات فوق تأییدکننده علل مختلف ایجاد بحران هویت ملی در کشور است (Abolhassani, 2009: 87). در ادامه یافته‌های تحقیق به بررسی این بحران و شاخصه‌های تأثیرگذار آن بر این مجموعه پرداخته شده است و در پایان رابطه بین عوامل فوق با قدرت ملی تبیین و روشن گردیده است.

۱-۱-۱- فعال شدن خرده فرهنگ‌ها

امروزه یکی از بحران‌های مهم تهدید کننده هویت ملی فعال شدن خرده فرهنگ‌های ناحیه‌ای و حضور مذاهب و فرق مختلف و ظهور اقشار کارکردی در نظام اجتماعی است، که هویت فراگیر و یکپارچه و وحدت بخش وجوه مشترک را زیر عنوان عام هویت ملی به چالش می‌کشد. جامعه امروز ایران علیرغم یکپارچگی جغرافیایی و وحدت تاریخی دراز مدت و وجود بنیان‌های فرهنگی و قومی مشترک و نیز بیگانگی سیاسی و فرهنگی، به‌طور نسبی در

درون خود با تکرر و تعدد قومی و زبانی و تمایزات و قشربندی‌های مختلفی روبرو است که گاه و بیگاه ممکن است ناموزونی‌هایی را از خود ظاهر سازد. در کشوری که جمعیت آن از قومیت‌های گوناگون تشکیل یافته، تسلط و برتری یک قوم و فرهنگ و زبان در آن امری بدیهی به‌شمار می‌آید. اما از آنجا که عناصر فرهنگی پدیده‌هایی نیستند که به‌سرعت بر اثر فشار بیرونی از بین بروند، در این صورت اگر ارزشهای فرهنگی قوم غالب و مغلوب در تضاد و تقابل با یکدیگر باشند بحران ارزشی رخ می‌دهد. تفاوت در الگوهای فرهنگی، احساس مشترک معمولی و تفاهم ملی را از بین برده و مناسبات را به تعارض و تقابل می‌کشاند (Ezati, 2011: 74). از این رو وحدت و انسجام کشور رفته رفته تهدید و مورد مخاطره قرار می‌گیرد.

۲-۴- عدم توزیع عادلانه ثروت در کشور

علاوه بر وجود محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی در سطح ملی، ضرورت توزیع عادلانه ثروت میان مناطق گوناگون کشور یکی از نیازهای اساسی و نوین جامعه ایران محسوب می‌شود. نبود شایسته‌سالاری و فقدان باور به آن در اداره عمومی و سیاسی کشور، و بی‌ثباتی ناشی از رقابت‌های سیاسی - مکانی در درون نظام باعث سردرگمی و تداوم این چالش‌ها گردیده است. نابرابری توزیع ثروت در سطح نواحی مختلف جغرافیایی کشور چه در گذشته و چه امروزه جنبه‌های سیاسی مهمی یافته است. به‌ویژه در مناطق زیست سایر اقوام ایرانی بازتاب‌های قومی داشته و تبدیل به یک جریان واگرایانه شده است. اگرچه عدم توزیع عادلانه ثروت جنبه قومی ندارد، اما تداوم نابرابری‌های ناحیه‌ای از یکسو و توجه برنامه‌ریزان توسعه کشور به برخی مناطق خاص، این باور را ایجاد کرده که شاید انگیزه‌های قوم‌گرایانه عامل اصلی این توزیع نامتعادل ثروت باشد و همین امر ضربه اصلی را به پیکره وحدت و همبستگی ملی کشور وارد ساخته که این خود ضربه‌ای به هویت ملی است (Ahmadi, 2011: 335).

۳-۴- قومیت و قوم‌گرایی

تعدد و تنوع قومی در ایران به‌گونه‌ای است که می‌توان جامعه‌ای پلی اتنیک به آن اطلاق کرد.

هر چند این اقوام در طول تاریخ در بالندگی و شکوفایی تمدن ایرانی سهیم بوده‌اند و در مقاطع مختلف تاریخی از کیان مملکت و غایت آن دفاع کرده‌اند، اما به‌رغم هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، در مقطعی نیز این هم‌زیستی منجر به ایجاد بحران گردیده است.

در یک تقسیم‌بندی ساده می‌توان اقوام مختلف زیر را در ایران شناسایی کرد: ۱- اقوام ترک، ۲- اقوام کرد ساکن کردستان، آذر بایجان غربی و ...، ۳- اقوام لر و لک، ۴- بلوچ‌ها، ۵- ایلات عرب ساکن خوزستان.

همانطور که اشاره شد این تنوع قومی علاوه بر اینکه دارای ظرفیت‌های بالقوه تهدید است، اما در عین حال فرصت‌هایی را نیز برای انسجام و وحدت ملی در کشور فراهم می‌سازد. از تهدیدات آن می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ۱- منازعات قومی، ۲- گرایش‌ها و اگراییانه و انگیزه‌های جدایی‌طلبی یا خودمختاری ناحیه‌ای.

تحركات قوم‌گرایانه در ایران، نیز هرگاه با اهداف استراتژیک قدرت‌های بزرگ همخوانی داشته، چالش‌های جدی را برای حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور ایجاد کرده است. مسئله قومیت و قوم‌گرایی در ایران از آن‌سو قابل اهمیت است که اقوام مختلف به‌دلیل داشتن همسایگان مشترک قومی در کشورهای همسایه به‌صورت بالقوه در معرض بحران‌آفرینی هستند. تشدید شکاف و گسست میان هویت ملی و هویت قومی را که در ادبیات سیاسی، اجتماعی از آن تحت عنوان بحران هویت ملی یاد می‌کنند را می‌توان تحت تأثیر مؤلفه‌هایی به‌شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

- ۱- فزونی مطالبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در میان توده‌های قومی؛
- ۲- فراوانی ناهنجاری‌های در میان قومیت‌ها به‌ویژه در نواحی حاشیه مرز؛
- ۳- شکل‌گیری احساسات مذهبی، قومی افراطی در میان نخبگان، روشنفکران و احزاب قومی؛
- ۴- رشد هویت قومی به زیان ضعف هویت ملی و ...

بنابراین آنچه در مسئله قومیت و قوم‌گرایی در ایران قابل توجه است، رشد یک‌سویه آگاهی‌های قومی و به‌تبع آن تضعیف هویت و وحدت ملی است، و آنچه در شرایط فعلی کشور ما حائز اهمیت است ضعف جدی در وفاق وحدت و همبستگی ملی و عدم شکل‌گیری

هویت ملی یکپارچه است (Salehi amiri, 2009: 566).

۴-۴- جهانی شدن

بی‌گمان یکی از چالش‌های فرا روی جامعه ایرانی، ملت ایران و هویت ملی ایرانی را باید در پدیده جهانی شدن و ملزومات و نیازهای نوین برآمده از دل آن جستجو کرد. بدون تردید جهانی شدن را باید یکی از اصلی‌ترین عوامل توجه مجدد به مقوله هویت ملی دانست. گسترش فضاهای اجتماعی فراملی بواسطه ابزارهای ارتباطی جدید که به مهاجران امکان می‌دهد در کشور مقصد زبان و فرهنگ ملی خود را حفظ کنند، افزایش سرعت مبادلات، گسترش رفت و آمد میان جوامع مختلف و در یک کلام افزایش تأثیرپذیری جوامع از یکدیگر در عصر جهانی شدن، چالش‌های را برای هویت ملی در مفهوم مدرن آن ایجاد کرده است. پیامد این امر گسستگی در فضای فیزیکی مدرن است که هویت ملی در آن تعریف، تولید و باز تولید می‌شد. با این همه شتاب روز افزون دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که از آن به‌عنوان جهانی شدن یاد شد باعث ایجاد نیازهای خاص برای جامعه ایرانی شده که این نیازها و آرزوی برآورده شدن آن را در گفتمان هویت ملی می‌توان مشاهده کرد. اهمیت این نیازها و برآورده شدن یا نشدن آنها هم به‌ویژه در عصر رویدادها و دگرگونی‌های شگرفت جهانی می‌تواند مسائلی چون وحدت و همبستگی و در نهایت هویت ملی و قدرت ملی را به‌گونه مثبت و منفی تحت تأثیر قرار دهد. جهانی شدن به شکل پنج نیاز اساسی هویت ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد:

- ۱- نیاز به توزیع عادلانه ثروت بین مناطق کشور؛
- ۲- نیاز به دسترسی برابر به فرصتها و امتیازات اجتماعی و اقتصادی؛
- ۳- نیاز به آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نقش‌آفرینی جامعه مدنی در قدرت و تصمیم‌گیری سیاسی؛
- ۴- نیاز به برابری جنسیتی و به‌عبارتی برابری حقوق زن و مرد؛
- ۵- نیاز اقلیت‌های دینی و قومی به برخورداری از امتیازات ملی (Ahmadi, 2011: 328).

۵-۴- ایدئولوژیک بودن هویت ملی و بهره‌برداری آن توسط رژیم‌های سیاسی

بسیاری از اندیشمندان ایران معاصر، مشکل اصلی هویت ملی ایرانی را در عصر حاضر ایدئولوژیک بودن و بهره‌برداری آن توسط رژیم‌های سیاسی می‌دانند، آنها بر این اعتقادند که فهم هویت‌های ملی، قومی زبانی یا مذهبی در سایه ایدئولوژی سیاسی صورت گرفته است. این ایدئولوژی در پی خلق ایرانی ناب، مسلمان ناب، و نظایر آن بوده. به‌طوریکه سنت‌گرایی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی که دین را محور هویت ایرانی می‌دانست در واکنش به مدرنیسم پهلوی پیدا شد و تحت عنوان گفتمان مدرنیسم مطرح گردید که در پی یگانگی در هویت اسلامی و نفی و انکار انواع دیگر هویت‌های موجود در جامعه ایرانی بوده و این ایدئولوژیک سازی هویت نیز با بحران مواجه شده و باعث ضعف بنیان‌های هویت ملی ایرانی گشته است. هویت ملی در ایران این دوره بر ارزشهای مبتنی بر نیروهای مذهب و شیعه‌نگری مهمترین منبع ایجاد یک جامعه ایرانی همبسته بوده است. بدین سان ارزشهای مقبول کشور چون نیروهای ملی و عناصر آن رفته رفته با تهدید مواجه شده یا کم کم انکار شده‌اند. در این میان ملت‌گرایی و ارکان غیردینی هویت ایرانی نیز به چنین سرنوشتی دچار شده‌اند. بنابراین در یک توافق جمعی رویکرد دینی، از چنان ژرفایی برخوردار شد که هویت دینی مترادف و همسنگ هویت ملی قلمداد شد و سایر ابعاد هویتی کشور اجزای کم بهای آن به‌شمار آمد (Abolhassani, 2009: 87). توجه به عناصر فرا ملی هویتی اگر چه توانست در سطح جهانی منطقه‌ای، پاسخگوی مثبت بسیاری از مسائل داخلی و خارجی باشد، ولی این عدم توجه به عناصر ملی کشور هویت ملی را با ضعف مواجه ساخت و در نتیجه در درون کشور نتوانسته به‌عنوان یک عنصر اصلی باعث وفاق و همبستگی میان اقوام و فرق و مذاهب مختلف کشور شود.

۶-۴- ضعف در ساختارهای آموزشی

عمده‌ترین علت بحران هویت ملی، در کشور را باید در ساختار آموزشی ایران جستجو کرد. نتایج بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد که هویت ملی، از جایگاه مطلوبی در نظام آموزشی

برخوردار نیست و با توجه به تأثیرگذار بودن این مقوله در سایه زمینه‌های که به توسعه و تحکیم کشور مربوط است نیاز به تجدید نظر و باز اندیشی دارد. از سوی دیگر می‌توان عوامل زیر را به‌عنوان ضعف نظام آموزشی ایران در زمینه هویت‌بخشی در زمانی که این مفهوم به‌شدت از سوی فرایند جهانی شدن در معرض تهدید است برشمرد:

- عدم سازگاری میان سه هویت دینی، اسلامی، تاریخی و جغرافیایی؛
 - عدم توافق در مؤلفه‌های هویت ملی که امکان تقویت و توجه به آن را در برنامه‌های درسی و اهداف نظام آموزشی کاهش داده؛
 - ضعف آموزش و پرورش در توجه به فرهنگ اصیل ایرانی در مقابل جذب در فرهنگ‌های بیگانه؛

- پایین بودن احساس تعلق به هویت ملی در تمام دوره‌های تحصیلی و عدم توانایی نظام آموزشی در ایجاد آگاهی و حس تعلق به هویت ایرانی؛
 - کاهش وجود احساس تعلق به هویت ملی از دوره‌های ابتدایی و راهنمایی و از راهنمایی و دبیرستان و از دبیرستان به مقاطع دانشگاهی (Khamesan, 2010: 156)، با توجه به تمام عوامل تأثیرگذار یاد شده، دو علت درونی محدودیت‌های مدارس و محتوای کتاب‌های درسی و دو علت بیرونی مفهوم هویت ملی و نقش خانواده مهمترین عوامل تأثیرگذار در ضعف بنیان‌های آموزشی بوده‌اند.

۵- تجزیه و تحلیل

قدرت ملی در ایران تاکنون با چالش‌های مختلفی روبرو بوده است. چالش‌هایی که به‌دلیل فقدان برنامه‌ریزی مدون و از پیش طراحی شده در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی و نامشخص بودن راهکارهای نیل به راهبردها و جهت‌گیری‌های کلی و چالش عملی موجود در کشور باعث آسیب رساندن به قدرت ملی در ایران شده است.

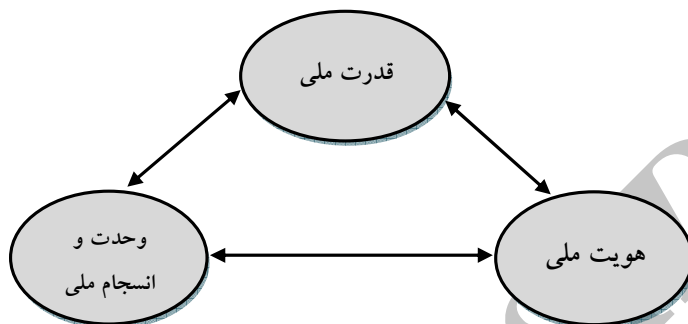
کالبد شکافی چالش‌های مختلف در کشور بیانگر آن است که این چالش‌ها یا ناشی از عوامل درون‌زا یعنی ضعف نظری و مفهومی بوده و یا از مشکلات ساختاری و عملکردی در داخل

کشور نشأت گرفته است. همچنین عوامل برون‌زا، یعنی تقابل‌های نظری، حرکت‌های منفی و تبلیغی و تهدیدات عملی خارجی نیز در این زمینه مؤثر بوده است. در این میان بحران هویت ملی به‌عنوان یک چالش درون‌زا در درون ساختار حکومتی ایران مورد توجه بوده است. بحران هویت ملی به‌دلیل نقش تعیین‌کننده‌ای که در حوزه فرهنگ، اجتماع، سیاست و حتی اقتصاد دارد، از درون ساختار جامعه را با آسیب مواجه ساخته، آسیبی که شاید عینی نباشد ولی عناصر ذهنی آن کاملاً روشن و صریح است.

هنگامی که جامعه‌ای تحت تأثیر بحران هویت ملی قرار می‌گیرد، شعور متعارف حاکم بر جامعه متوجه پدیده‌ها خواهد شد و کمتر به روابط میان آنها فکر خواهد کرد.

در چنین جامعه‌ای بیشتر به معلول‌ها توجه می‌شود و مطالعه روی علتها را تحلیل می‌برد. این امر بدان سبب است که بحران هویت اجتماعی احساس و اندیشه ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وجود نگرش جهت‌دار واسطه‌گرا ویژگی اصلی بحران هویت ملی است.

برای تعریف همبستگی بین بحران هویت ملی و تأثیر آن بر ساختار قدرت ملی لازم است به تأثیر هویت ملی به‌عنوان یک ریشه زیرساختی توجه شود. لازم به ذکر است که ارتقای قدرت ملی صرفاً به اقتدار نظامی و قدرت اجتماعی و تعامل و هم‌افزایی این دو قدرت بستگی ندارد، بلکه قدرت‌های دیگری از جمله قدرت‌های اقتصادی، قدرت علمی و فناوری، نقش حیاتی در ایجاد و استحکام مبانی قدرت ملی دارند و گاه این تعاملات آثار هم‌افزایی منفی را به‌وجود می‌آورند. بنابراین ارتباط بین هویت ملی و قدرت ملی نیز در مسأله بالا به‌خوبی روشن شده است. از آنجا که هویت ملی زیر مجموعه منافع ملی^۱ بوده و منافع ملی بدون داشتن قدرت ملی دچار بحران و آسیب می‌شود، در نتیجه شرط اساسی نائل آمدن به قدرت ملی پویا و بقای آن، همانا تقویت هویت ملی است که از طریق استراتژی ملی امکان تحقق و پشتیبانی آن وجود دارد. تمام توضیحات ارائه شده حاکی از این است که ارتباط بین قدرت ملی و هویت ملی یک ارتباط دوسویه و تأثیرگذار است.

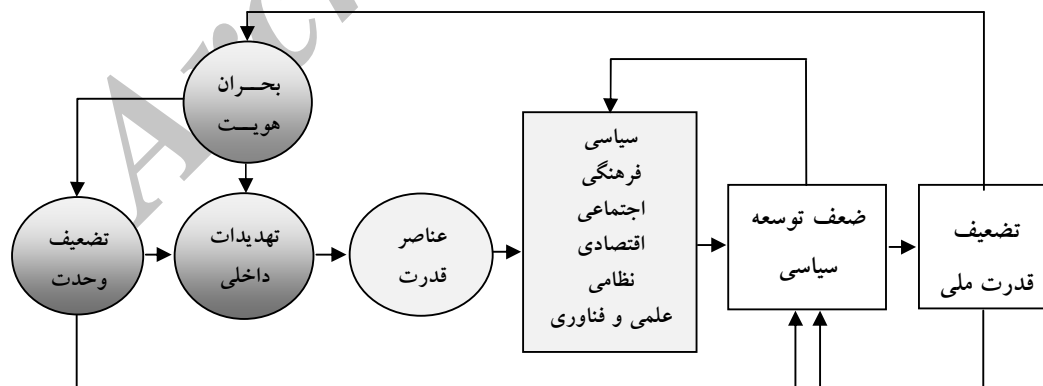


شکل شماره ۴: رابطه قدرت ملی و هویت ملی

نتایج آزمون فرضیات و تجزیه و تحلیل موضوع وجود رابطه علت و معلولی میان متغیرهای مستقل و وابسته را از یکسو و نتایج حاصل از مباحث نظری را از سوی دیگر تأیید کردند. بدون شک هویت ملی ایرانی با آمیزه‌ای از علت‌ها و لایه‌های مختلفی که هر کدام از آنها تأثیرات عمیقی به هویت ایرانی دارد دچار بحران گردیده است. گرچه در اعصار مختلف تلاش شده از تعارض و تداخل این علت‌ها در هویت ملی جلوگیری به عمل آید، اما به دلایل گوناگون از جمله دلایل سیاسی و اجتماعی، تعارضاتی بین این عناصر و هویت ملی پیش آمده که باعث تشدید بحران شده و بخش زیادی از جامعه ایرانی را تحت تأثیر قرار داده است. این بحران از آن رو جدی است که توفیق نیافتن در رویارویی با آن پیامدهای بسیار جدی را به دنبال دارد که از آن جمله می‌توان به تضعیف انسجام اجتماعی اشاره کرد. موقعیت و نقش هویت ملی یک کشور اغلب بیان کننده یکپارچگی اجتماعی و همدلی سیاسی آن محسوب می‌شود. این امر به‌عنوان مهمترین منبع سیاسی تشکیل دهنده یکپارچگی ملی و پایداری سیاسی محسوب می‌شود. بنابراین صعود یا سقوط هویت ملی کشور ضربه‌ای اساسی به توسعه همه‌جانبه ملی و در نهایت افزایش یا کاهش قدرت ملی وارد خواهد ساخت.

۶- نتیجه‌گیری

باید هویت ملی را موجودیت اصلی یک جامعه دانست و اعتقاد داشت که با بحران هویت ملی ابعاد قدرت، سیاسی، اقتصادی و صنعتی و فناوری و نظامی یک کشور با آسیب مواجه می‌شود. اگر جامعه را به‌مثابه یک سیستم تلقی نموده متوجه خواهیم شد که با بحران هویت ملی جامعه دچار ضعف انسجام شده، پویایی و کارآمدی خود را از دست خواهد داد و اگر بپذیریم که یک سیستم پویا و کارآمد نیاز به انسجام درونی و هم افزایی و تعامل هوشمندانه با محیط درونی و بیرونی خود دارد، آنگاه متوجه خواهیم شد که در نگاه سیستمی نقش هویت ملی تا چه اندازه مهم و برجسته است. با توجه به نظریه ریچارد هارتشورن، بروز بحران هویت ملی وفاق و انسجام اجتماعی ملغمه و مخلوطی خواهد بود از عناصر نامتجانس و ناهماهنگ و گاه متضاد که نه تنها ویژگیهای سیستمی رانخواهد داشت، بلکه موجب نوعی آناژسی هویتی شده در برابر سایر هویت‌ها دچار اضمحلال خواهد شد و انواع بحران‌های اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. باید پذیرفت بحران هویت ملی مصادف است با ضعف انسجام ملی و به دنبال آن تهدیدات داخلی، تهدید در عناصر قدرت ملی را موجب شده و در نهایت موجبات ضعف توسعه سیاسی و تضعیف قدرت ملی را به دنبال خواهد داشت که در شکل شماره ۵ نیز قابل ملاحظه می‌باشد.



شکل شماره ۵: بحران هویت ملی و تأثیر آن بر ساختار قدرت ملی

هر کشوری براساس هویت ملی خود عمل می‌کند، و هویت ملی نیز در قالب قدرت قابل تعریف است. افزایش اقتدار ملی و بین‌المللی در گرو ستیز با قدرت‌های بین‌المللی نیست زیرا اگر چنین شود کشور همواره یا در حالت جنگی است یا در حالت نه جنگ و نه صلح به سر می‌برد. و این روند زیان‌های جبران‌ناپذیری را به پیکره توسعه کشور وارد می‌سازد و ظرفیت‌های دیپلماتیک و سیاست خارجی نیز هزینه مقابله با بحران‌هایی می‌شود که توسط قدرت‌های بزرگ برای کشور ایجاد می‌گردد. بنابراین به باور پژوهشگران اگر ایران بخواهد به یک قدرت برتر منطقه‌ای تبدیل شود، ابتدا ضروری است در درون کشور نسبت به پویا ساختن هویت ملی جامعه اقدام ورزد. این امر خود باعث افزایش اعتبار کشور در جوامع بین‌المللی خواهد شد. بی‌شک والاترین عنصر که در موجودیت هر کشور دخالت اساسی دارد هویت ملی آن است. زیرا استقلال هر کشور بی‌گمان از هویت ملی آن نشئت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با ضعف هویت ملی استقلال در ابعاد دیگر حاصل می‌شود. طبیعی است که چنین وضعیتی به سود هیچکس در ایران نیست و در نهایت پیامدهای منفی و تخریبی فراوانی برای همه ایرانیان از هر گروه و قوم و فرقه‌ای به دنبال دارد. تنها یک ایران برخوردار از نظم و انسجام و وحدت درونی و هویت و همبستگی ملی نیرومند است که می‌تواند منافع و رفاه همه شهروندان ایرانی را فراهم سازد. در این مقاله تلاش پژوهشگر بر این اصل استوار بود که با شناسایی شاخصه‌های مختلف بحران هویت ملی و شناخت درست آن در عصر چالش‌های گسترده کنونی زمینه شکل‌گیری گفتمان هویت ملی را متناسب با شرایط پیچیده درونی و جهانی برای پژوهش‌های بعدی فراهم سازد.

۷- قدرت‌دانی

مقاله حاضر مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد تحت همین عنوان می‌باشد، لذا نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از مساعدتهای همه‌جانبه دانشگاه آزاد تهران مرکز و گروه جغرافیای این دانشگاه تقدیر و تشکر نمایند.

References

1. Anthenyp, Smith (1991); *The Ethnic origins Of Nations*, Wiley-Blackwell.
2. Alexander, Wendt (1999); *Sochial Theory of international political*, Cambridge.
3. Ahmadi, Hamid, (2010); An Article about Bases of Iranian Nationalidentity, Foruzesh journal, 1th number, Winter [In Persian].
4. Ahmadi, Hamid (2011); *Bases of Iranian National Identity*, Tehran: department for social and cultural studies, 1th printed [In Persian].
5. Abolhasani, Seyed Rahim (2009); *Identifing and assesing Iranian identity Componants*, Tehran: Department of strategic researches Print, 1th printed [In Persian].
6. Barnett, M, and Duvall R (2004); *Use power in international politics, national intelligence council projected 2020 and international futures (IFS) project*.
7. Eslami Nodoushan, Mohamd Ali (1994); *Iran and Its Lonliness*, Tehran: Sahamiy Enteshar Company Print [In Persian].
8. Ezati, Ezatolaah (2011); *Iran Strategic Geography*, Tehran: 1th vol, Army Geography Organization, 2th printed [In Persian].
9. Heydari, Gholam Hosein (2011); *A classnote on Iran political Geography*, winter [In Persian].
10. Hafeznia, MohamdReza (2007); *Power And National Interests*, Tehran: Entehab Print, 2th printed [In Persian].
11. Jonze, Walter (1994); *The International Relation Logic*, Translated by: Heydari, Davoud, Tehran: International and political studies department [In Persian].
12. Khayam bashi, Ehsaan ft. others (2004); *An Article On Power Devices and Study Their Effect on Iran national Power Process (A Dinamic Approach)*, 3th International Conference About Strategic Management [In Persian].
13. Khamesan, Ahmad (2010); *An Article on Place of National Identity In Iran Education System*, Cultural researches Journal, Summer [In Persian].
14. pye lucion (1996); *aspect of political development*, boston: little Brown and co.
15. Sarmad, Zahed (2002); *Researching ways for Behavioral Sciencs*, Tehran: Aagaah Print, 1th printed [In Persian].
16. Salehi Amiri (2009); *Seyed Reza, local fitghing in Iran*, Tehran: Strategic Researches Center Print, 1th printed [In Persian].
17. Taajik, Mohamdreza (2002); *An Article About Iranian Socity And the Gap between Generations*, Zharfa journal, 26 number, winter [In Persian].
18. Zarghani, Seyed Haadi (2009); *An Introduction to National Power*, Tehran Department of Strategic Studies, 1th printed [In Persian].

19. Ayman, singerj. D. and GORETZG (1983); Capabilities, allocation, succession militaried Disputes and wars 1816 - 1976 international studies Quarterly, vol.27, pp.497-515.
20. www.national identity.com.

Archive of SID